

کاسی‌ها

(کاسپیان)

(مجموعه‌ی آرش ۹)

www.ketab.ir

سرشناسه: عبدلی فرد، فریدون، ۱۳۳۰.
عنوان و نام پدیدآور: کاسی ها (کاسپیان) / فریدون عبدلی فرد
مشخصات نشر: تهران: هیرمند، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۹۲ ص.
شابک: ۴-۴۳۲-۴۰۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
عنوان دیگر: کاسپیان
موضوع: کاسیان -- تاریخ
موضوع: History -- Kassites
موضوع: لرستان
موضوع: Iran: province (Lorestan)
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲/۴۵ع ۲۰۵۱ DSR
رده بندی دیویی: ۹۱۵/۵۵۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۹۶۳۲

چاپ و صحافی: اسطوره
شمارگان: ۵۰۰ / چاپ اول ۱۳۹۶ / ۲۰۰۰ تومان
طراحی گرافیک و جلد: هیرمند پیپر
صفحه‌آرایی: کارگاه نشر هیرمند
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۸-۴۳۲-۴
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است
مراکز فروش:



انتشارات هیرمند: میدان انقلاب، خیابان لبافی‌نژاد،
بین خیابان ۱۲ فروردین و خیابان فخر رازی، پلاک ۲۰۴
تلفن: ۶۶۴۰۹۷۸۷ . www.hirmandpub.com



شهر کتاب بوستان: پونک، مرکز تجاری بوستان،
دور رینگ مرکزی
تلفن: ۴۴۴۹۸۷۰۹ . www.bbookcity.com

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۱۷	درآمد
۲۷	منابع و مؤاخذ
۳۵	نام
۶۹	نژاد
۸۱	خاستگاه‌ها و زیستگاه‌های کاسی‌ها
۸۷	کوچ‌ها
۹۹	فرهنگ و تمدن کاسی‌ها
۱۰۷	زبان
۱۲	خط
۱۲۵	مذهب
۱۴۱	جامعه‌ی کاسیان
۱۵۵	آثار کاسیان
۲۰۵	ارتباطات بازرگانی
۲۱۷	تاریخ سیاسی

۲۲۷	پادشاهان کاسی از سلسله اول کاسی‌ها
۲۳۱	پادشاهان کاسی از سلسله دوم (سلسله آمارنا)
۲۶۲	روابط سیاسی کاسی‌ها در بابل
۲۷۲	سراغجام کاسی‌های بابل
۲۷۲	کاسی‌ها در هزاره یکم
۲۷۵	کاسی‌ها در دوره حکومت مادها
۲۷۷	کاسی‌ها در دوره هخامنشیان
۲۷۹	کاسی‌ها در دوره اسکندر و سلوکیان
۲۸۳	کاسی‌ها در زمان اشکانیان و ساسانیان
۲۸۷	تقشیرها و تفسیرها
۲۹۱	گرفتارها
۲۹۹	نشریات

پیش گفتار

نام منطقه جغرافیایی ایران بزرگ پیش از کوچ و ورود گروه‌های انبوه آریائی‌ان که نام ایران به آن داده شده است، باید کشور کسپی یا کاسپیان یا کاسی نامیده شود. «ارنست هرتسفلد»

در طول هزاره‌های کهن در نجد ایران و محدوده‌ای که امروزه آن را با نام فرهنگ ایرانی می‌شناسیم، پیش از ورود اقوام کوچ‌رو و مهاجر، دارای بومیانی با تمدنی والا بود. آنان مردمی سخت‌کن و مسالمت‌جو با جامعه‌ای در حد آن روز پیش رفته با هنرمندان و صنعت‌گرانی چیره‌دست بوده است. اگر قرار باشد که به نیاکان خود ببالیم، در صف اول باید این بومیان را قرار داد زیرا اینان یکی از ستون‌های پاگیری قومیت ایرانی‌اند و هم‌این بودند که در طول هزاره‌ها پذیرای مهاجران و کوچ‌نشینان شده و پس از هم‌زیستی با آنان، به تدریج فرهنگ و تمدن آن روزگار کمک کردند.

خاستگاه این کوچ‌روها و مهاجران در طول هزاره‌های کهن، حاصل‌خیزان و زراعت‌گرا از دشت‌های پهناور اوراسیا در شرق آسیا و مرزهای چین بوده که به غرب و به سمت دشت و نقاط گوناگون غرب آسیا تا غربی‌ترین نقاط اروپا ساکن و با بومیان، اغلب از نظر تعداد جمعیت بر مهاجران برتری داشتند، هم‌زیست و به تدریج با آنان همگون شدند.

در هزاره سوم پیش از میلاد گروه‌های مهاجری به جز آریاییان از شمال شرق به سوی آسیای مرکزی و دامنه‌های هندوکش و مناطق سندو پنجاب و بلوچستان و

از غرب تا سواحل جنوبی دریای مازندران آمده و در آن مناطق با بومیان هم‌زیست و همگون شده و به کشت و زرع و دامداری پرداختند.

تا مدت‌ها بیشتر پژوهش‌گران وقتی از مشهورترین و پرجمعیت‌ترین مهاجران و کوچ‌کنندگان به پهنه فرهنگی ایران صحبت می‌کردند، از آریاییان نام می‌بردند ولی امروزه می‌دانیم که پیش از آریاییان گروه‌های عظیمی از اقوام طی هزاره‌های پنجم تا دوم پیش از میلاد وارد این سرزمین شدند که معروف‌ترین آنها کاسیت‌ها یا کاسی‌ها بودند که آثارشان را امروزه از شرق آسیا تا غرب اروپا می‌توان پیدا کرد. هنوز نمی‌دانیم که کاسی‌ها از چه نژادی بودند فقط می‌دانیم که آنان نه آریایی و نه سامی بودند و فقط گروهی از محققان آنان را قفقازی یا آسیاتیک می‌دانند که از نظر نژادی خود گروهی ناشناس است و اقوام دیگری مانند ایلامی‌ها، گوتی‌ها، لولوبی‌ها و بعد از آن دیگر از اقوام ساکن منطقه زاگرس را جزو همین نژاد می‌دانند. هنوز هیچ‌کس نمی‌تواند به طور دقیق و مستدل بگوید که این گروه از چه زمانی کوچ‌هایشان شروع کرد. سرزمین‌های غربی به ویژه در پهنه نجد و دامنه‌های کوهستان‌های شمالی و غربی نجاسات شد و باز هم با کمال تأسف بایستی اقرار کنیم که امروزه حتی با وجود جای نام‌های متعدد و آثاری که از آنان بجا مانده، هنوز هم اوضاع اجتماعی آنان برای ما مجهول است حتی پس از ورود آریاییان نیز کاسی‌ها بدون نشان دادن مقاومتی از خود به دست آریاییان با آنان هم‌زیست و پذیرای آریاییان شده و به تدریج در طول هزاره‌ها و سده‌های بعد به تدریج خصوصیات نژادی خود را از دست داده و هم‌رنگ آریاییان شدند و در نتیجه با اقوام دیگر و با ترکیب بومیان، اساس قومیت ایرانی را پی‌ریزی کردند و از اوایل هزاره اول پ.م. دیگر نام و نشانی از آنها نیست و فقط آثارشان را به صورت اشیای یافت شده از مقابر مربوط به آنها در مناطق زیست‌شان، یا جای نام‌هایشان را در پهنه فرهنگ ایرانی، می‌بینیم. از جمله آثاری فلزی از لرستان به دست آمده که در مقایسه با آثار فلزی یافت شده در مناطقی وسیع از استپ‌های اوراسیا و از مینوسینسک و کوه‌های یورال و آلتایی و آسیای مرکزی و کناره‌های دریای مازندران تا قفقاز و آسیای کوچک و از جنوب، از دروازه‌های چین و فلات پامیر تا دره‌های سند

و پنجاب و سیستان و بلوچستان و کانون‌های داخل نجد ایران و میان رودان تا کناره‌های شرقی دریای مدیترانه، دارای مشابَهت‌ها و ویژگی‌های فراوانی است که به نظر بیشتر پژوهش‌گران و باستان‌شناسان بایستی ساخته دست اقوامی کوه‌نشین باشد که در هزاره‌های کهن در کوهستان‌های شرق آسیای مرکزی و فلات پامیر زندگی می‌کرده‌اند و با کوچ‌های تدریجی و متعدد خود در طول هزاره‌های بعد به غرب حرکت و تا کناره‌های دریای مدیترانه و از شمال تا اروپا نفوذ کرده و مدت‌ها در آسیای جنوب غربی و نجد ایران و سرانجام در هزاره چهارم پیش از میلاد در زاگرس، مرکزی و لرستان می‌زیسته‌اند و امروز در تاریخ از آنان با عنوان‌های کاسی، کاسیتی، کاشی، کاشی و غیره نام می‌برند.

ولی این احتمال را نیز نباید از نظر دور داشت که ممکن است اقوام دیگری در این کوچ‌ها و جاها گشتن آثار خود دخیل باشند و کاشی‌ها نیز به عنوان یکی از آن اقوام باشد. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که کوچ‌هایی که به طور تدریجی ولی مداوم در طی این هزاره‌ها انجام شده، توسط اقوامی هم‌گروه صورت گرفته و به همین جهت به هم رسیدن گروه‌ها، مهاجر هزاره‌های دوم و اول پیش از میلاد، در برخورد با مهاجران هزاره‌های اول، بارشیدن به داخل نجد یا دامنه‌های البرز و جبال زاگرس، به علت هم‌زیانی و هم‌رادی و مشابَهت عادات اجتماعی و آداب و رسوم و باورهای دینی، بدون که چک‌ترین برخورد با هم‌زیست و درهم ادغام شده‌اند.

امروزه با توجه به آگاهی‌های مختصری که از این اقوام در منابع و مدارک مکتوب کهن به دست آورده‌ایم حداقل این آگاهی را داریم که کاسی‌ها از هزاره‌های کهن دارای تمدنی در حد آن دوران بسیار پیشرفته بوده و از نظر کشاورزی و دامداری و صنعت و بالاخره ارتباطات تجارتی با سایر اقوام و کانون‌های دور و نزدیک، دارای فعالیت‌های گسترده بودند.

کاسی‌ها را با توجه به کوچ‌های متعددی که در طول هزاره‌ها انجام داده و در کانون‌های گوناگون نیمه غربی آسیا تا منتهاالیه اروپا انجام داده و در تمام این گستره بساط تمدن خود را پهن کرده‌اند، می‌توان متوجه شد که آنان قومی پرجمعیت با

شاخه‌های متعدد بوده و از نظر اجتماعی نیز مردمی پویا، زحمت‌کش و خوش‌فکر بوده‌اند به طوری که به عنوان مثال دورانی که در هزاره‌های چهارم و سوم پیش از میلاد در سواحل جنوبی و غرب و شرق دریای مازندران سکونت داشتند که با آثار یافت شده از آنان در این مناطق می‌توان به این نتیجه رسید که کاسی‌ها در این مناطق دارای حکومتی بوده و در بین سایر اقوام حرف اول را می‌زده‌اند و به همین دلیل است که امروزه نام آنان را روی دریای مازندران (با نام دریای کاسپین) و منطقه و کره‌های قفقاز را برگرفته از نام آنان و کانون‌های تجمع آنان را در منطقه‌ای با نام کاسپینا در شمال اورمیه در سرزمین‌های بین دشت مغان تا قره‌باغ می‌زیسته‌اند.

در داخل این سرزمین نیز توانسته بودند به‌خوبی گسترش یافته و در کانون‌های مختلف مثل: حصار دامغان، سیلک کاشان، چشمه‌علی ری، خوردین دشت قزوین، گودین و گیان نهمین، از نمود آثاری بجا بگذارند و در هزاره دوم پیش از میلاد با نفوذ در بابل و تسخیر میان‌رودان نزدیک به شش سده، حکومتی تشکیل دهند که دارای تمدنی پیشرو در منطقه‌ای وسیع با صلح و آرامش به حکومتی که خود مرکز سیاسی و فرهنگی جهان آن روز بود، تبدیل و غرب آسیا در این شش سده دورانی آرام و بدون درگیری با سایر کانون‌ها پشت سر گذاشتند زیرا آنان مردمی صلح‌طلب بوده‌اند و از جنگ و درگیری با همسایگان پرهیز می‌کردند.

لذا با توجه به این گسترش کاسی‌ها در کانون‌های تاریخی یاد شده در هزاره‌های کهن و آثاری که از آنان در این مناطق مانده و نشان‌دهنده وجود آنان با تمدنی پیشرفته است براساس نوشته و نظر هر تسفیلد و بیشتر مورخان و پژوهش‌گران، منطقه‌ای را که امروزه با نام ایران می‌شناسیم که برگرفته از نام آریایی است، پیش از ورود آریاییان، آنان را با نام کشور کاسپی یا سرزمین کاسی می‌نامیدیم.

اینجانب نیز با توجه به آگاهی‌هایی که از این قوم توسط پژوهش‌گران داخلی و خارجی به طور پراکنده تاکنون ارائه شده، بر آن شدم که با جمع‌آوری و بررسی این داده‌ها شاید بتوانم تا حدی حلقه‌های زنجیر جدا از هم افتاده را جمع‌آوری و تا آنجا

که در توانم بود آنها را مرتب و گروهی را به هم متصل نمایم تا بتوانم حداقل شمایی از تاریخ این قوم را در برابر دیدگان آیندگان قرار دهم. لذا برای انجام این کار در آغاز از منابع متعددی که در دسترس بود، آنچه تألیف یا آنچه به فارسی ترجمه شده بود، هر کجا نامی از آنان یافتم گرد آورده و مانند قطره‌هایی از دریایی که در عین گستردگی هنوز پنهان است، روی هم انباشتم و در بررسی‌های مکرر این یافته‌ها نکاتی را که به نظر می‌رسید به واقعیت نزدیک‌تر هستند روی هم ریخته و در کنار هم قرار دادم و حتی دیدگاه‌های متعددی که پژوهش‌گران هر چند متضاد با هم بود، همه را کنار هم و این چهل تکه را دوخته و در معرض قضاوت خوانندگان قرار دادم. ر. آخر کار باز متوجه شدم که در راهی قدم گذاشته‌ام که بسیار طولانی است و من تازه در آغاز راه قرار دارم و این مسیر بایستی توسط آیندگان دنبال شود و این اثر برای آنان فقط می‌تواند مقدمه یا سررشته‌ای برای تحقیقات‌شان باشد و با دنبال کردن آن بتوانند به نتیجه قاطع و مستند برسند.

انجام این مهم با توجه به عمر و امکانات من در پژوهش‌های بیشتر و بازبینی و تصحیح و تکمیل آنها ناکافی است و نیروی یا بهتر نیروهایی جوان، پویا و علاقمند را می‌طلبم. به همین دلیل این مهم را به خودنهادن این را بر بیچ و خم و سنگلاخ و نیمه تاریک را به آیندگان، به ویژه به فرزندان میهن می‌سپارم.

www.ketab.ir